

□ تاثیر قصه گویی بر رفتار و آینده کودکان

♥ تهیه کننده: کانال دانش مربی

@nyazmorabee

eitaa.com/nyazmorabee

♥ تاثیر قصه گویی بر زندگی و آینده ی کودک یک امر ثابت شده است به طوری که امروزه کارشناسان برای برخورد با کودک پرخاشگر و لجباز روش قصه درمانی را پیشنهاد می کنند. فواید قصه خواند برای کودک را بیشتر بشناسید.

تاثیر قصه گویی و فواید قصه گویی بر تربیت کودکمکی بزرگ به والدین است. کودک شما اختلالات رفتاری دارد که شما بعد از امتحان کردن هزار و یک راه متاسفانه گاهی به تنبیه رو می آورید اما بهتر است دست نگاه دارید و با اصول و روشهای درست تربیت کودک با قصه خواندن بیش تر آشنا شوید.

گاهی یک قصه می تواند تاثیری بر زندگی و آینده ی کودک بگذارد که ده ها آموزش از آن عاجز است....

اختلال های رفتاری طبقه ای از رفتار کودک است. کودکانی که رفتارشان به این طبقه تعلق دارد از میزان شرارت و شیطنتی که ویژگی گروه سنی آن هاست پا را فراتر می گذارند. آن ها به طور جدی حقوق مسلم دیگران را زیر پا می گذارند و یا قوانین عمده اجتماعی را خدشه دار می کنند. گاهی بسیاری از کودکان از نظر هیجانی نیز با مشکل رو به رو می شوند و در معرض افسرده شدن قرار می گیرند. اختلالات هیجانی رفتاری به شرایطی اطلاق می شود که در آن پاسخ های هیجانی و رفتاری در مدرسه با هیجان های فرهنگی، سنتی، و قومی تفاوت داشته باشد؛ به طوری که در عملکرد تحصیلی فرد، مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری فردی، رفتار در کلاس و سازگاری در محیط کار نیز تأثیر منفی داشته باشد. اغلب کودکان با اختلالات رفتاری احساسات منفی دارند و با دیگران بدر رفتاری می کنند. در بیشتر موارد، معلمان و هم کلاسی ها آن ها را طرد می کنند، در نتیجه فرصت های آموزشی آنان کاهش می یابد. به رغم مشکلات فراوانی که این کودکان با آن مواجه اند، بیشتر آن ها تا سال ها پس از ورود به مدرسه شناسایی نمی شوند مگر این که اختلالات رفتاری و مشکلات تحصیلی آنان تشدید شود.

بسیاری از بزرگسالان تحمل رفتارهای کودکان با اختلالات رفتاری را ندارند و به تنبیه آنان نیز متوسل می شوند. این کودکان در مقایسه با همسالان بهنجار خود در جنبه های مهم زندگی محدودیت دارند و در تعاملات اجتماعی با مشکلات جدی مواجه اند. ناتوانی های این کودکان از رفتارهای آن ها ناشی می شود. قصه درمانی در سال های اخیر به صورت یکی از فنون بازی درمانی مطرح شده است. استفاده از قصه درمانی به مثابه یک فن درمانی فقط به درمان مشکلات روان شناختی کودکان منجر نمی شود. در قصه درمانی فرض بر این است که تغییر در زبان و ادبیات قصه های زندگی فرصت های جدیدی برای رفتار و روابط با دیگران ایجاد می کند.

□ تاثیر و فواید قصه خواندن بر کودکان

♥ کودکان از طریق داستان ها و افسانه ها با حقایق و تجربه های زندگی آشنا می شوند. تأثیرپذیری از شخصیت های قصه، تقویت قدرت فهم و بیان، پرورش خلاقیت، آموزش زبان و افزایش گنجینه واژگان کودکان نیز از دیگر تأثیرهای آموزشی و تربیتی داستان سرایی به شمار می روند. در واقع داستان خلاقیت گسترده ای است که با آن هر فردی می تواند عقاید به ظاهر نامعقول را بازیابی و آن ها را جایگزین و استفاده سازنده از آن ها را مطرح کند.

داستان سرایی به مثابه تدبیری مداخله ای برای آموزش می تواند دانش آموزان را به کشف معنای منحصر به فرد بودن خود ترغیب کند و توانایی آن ها را برای برقراری ارتباط واقعی بین افکار و احساسات افزایش دهد. مهارت های کلامی می تواند توانایی دانش آموزان را برای حل و فصل اختلاف بین فردی به صورت آرام و توأم با بحث و گفت و گو افزون سازد. بیان داستان و نیز گوش فرا دادن به آن دانش آموزان را به بهره گیری از تخیلاتشان تشویق می کند. این تخیل قوی می تواند اعتماد به نفس و انگیزش شخصی را در دانش آموزان افزایش دهد، زیرا آنان خود را برای نیل به امیال و آرزوهایشان شایسته و توانا تصور می کنند.

□ تأثیر قصه گویی بر درمان مشکلات رفتاری کودکان

♥ قصه ها می تواند از نظر تربیت اجتماعی، عاطفی و اخلاقی در کودک نیز موثر واقع شوند. قصه ها می تواند از نظر تربیت اجتماعی، عاطفی و اخلاقی نیز موثر واقع شوند و بسیاری از مقررات، هنجارهای اجتماعی و دستورالعمل های زندگی را منتقل کنند. چگونگی روبرو شدن با مشکل ها، حل آن ها و بسیاری از الگوهای رفتاری در گروه ها و طبقه های مختلف اجتماعی و سنی در داستان ها بیان می شود. اگر والدین یا درمان گران قادر به فهم افکار سری کودک یا شناسایی احساس های پنهان او باشند، هر اندازه تفسیرهای انجام شده نیز درست باشند، باز این فرصت از کودک گرفته می شود که خود از طریق شنیدن پی در پی داستان و تفکر درباره آن به احساس رویارویی موفقیت آمیز با مشکل خود دست یابد. به همین دلیل است که رویکردهای داستانی به روان درمانی تأکید دارد و قصه ها در چگونگی رفتار و واقعیت های کودکان نقش موثری ایفا می نماید. قصه ها به کودکان راه حل هایی ارائه می دهند که غیرمنتظره و شگفت انگیز و در عین حال شدنی و مثبت هستند. تلاش پژوهش گران و درمان گران منجر به استفاده از ادبیات و قصه و قصه درمانی شده است.

برخی از مسائل کودکان با مشکلات عاطفی و رفتاری از ضعف آگاهی و بهره نبردن از مهارت های اجتماعی، الگوی کلامی صحیح، رفتارهای جامعه پسندانه، مهارت های ارتباطی و دوست یابی، مسئولیت پذیری، و غیره ناشی می شود؛ پس آموزش این مهارت ها به این کودکان ممکن است تا حدودی از بروز این مشکلات پیشگیری کند. درمان گران و روان شناسان کودک می توانند جدیت بیشتری برای استفاده از قصه در مداخله های درمانی کودکان و نوجوانان نشان دهند و والدین و معلمان بهتر است استفاده گسترده تر از قصه های هدف دار را در برنامه های آموزشی و تربیتی کودکان بگنجانند به خصوص که این امر در سنت تربیتی فرهنگ ما جایگاه خاص خود را هم دارد.

در این جا چند نمونه از راهبردهای مهارت های اجتماعی را ذکر می کنیم که مربیان می توانند برای آموزش آن ها از داستان استفاده کنند و برای این که کودک مطالب را بهتر درک کند از سوال های نیمه سازمان یافته نیز کمک بگیرند. این راهبردها به کودکان پرخاش گر کمک می کند تا تمایلات و رفتارهای پرخاش گرانه خود را مهار کنند.

- پیوستن به فعالیت های دیگر

- ابراز خشم با لحن آرام

- ترک صحنه

- نپذیرفتن تقاضای دیگران به شیوه ای مودبانه

- یادآوری سودمندی و مزایای رفتار مناسب

- نادیده انگاشتن رفتار نامطلوب دیگران

- استفاده از جمله های تلفیقی

- هم دلی کردن

یکی از بهترین روش‌ها برای ایجاد عادات‌های خوب در کودکان و حذف رفتارهای نامناسب، استفاده از «قصه» است.

وقتی کودک به قصه شما گوش می‌دهد، خودش رابه جای شخصیت اصلی داستان می‌گذارد و از نگاه او به حرف‌های شما گوش می‌کند. از آنجاکه در این روش، آموزش‌ها به صورت غیرمستقیم به کودک داده می‌شود، در مقابل حرف‌های شما مقاومت نمی‌کند و به خوبی تا پایان داستان به شما گوش می‌دهد. در این روش شما یک داستان برای کودک تعریف می‌کنید که شخصیت آن تقریباً همسن فرزند شما باشد. می‌توانید برای انتخاب نام او هم از خود کودک کمک بگیرید. داستان را شروع می‌کنید و با کمک عروسک یا نقاب و یا نقاشی، داستان را تعریف می‌کنید. در پایان سؤالی درباره داستان از کودک خود می‌پرسید و او را می‌خواهید که نتیجه‌گیری بکند. با این روش، خود کودک به نتیجه‌ای که مورد نظر شماست می‌رسد.

□ ده مزیت مهم قصه خوانی برای کودکان :

۱- اخلاقیات را به کودک شما می‌آموزد:

کودکان در سر تا سر دنیا عاشق گوش دادن به قصه‌ها هستند. آنها می‌خواهند که درباره شخصیت‌های مورد علاقه‌شان بیشتر بدانند و اغلب تلاش می‌کنند که خود را در نقش آنها قرار دهند و از آنها تقلید کنند. با گفتن قصه‌هایی که در آنها مفاهیم اخلاقی و انسانی وجود دارد شما می‌توانید ویژگی مثبت انسانی مثل شجاعت، صداقت و دانایی را در وجود او از همان سنین پایین نهادینه کنید.

۲- قصه‌گویی آنها را از اصول فرهنگی و ریشه‌های اعتقادی تان آگاه می‌کند:

خواندن قصه و تعریف کردن خاطرات کودکی تان، فعالیت‌ها و سرگرمی‌هایی که در زمان کودکی داشتید و جشن‌ها و مراسمی که در آن شرکت می‌کردید باعث می‌شود فرزندان با فرهنگ خانوادگی و آداب اجتماعی که قرار است در آن بزرگ شود بیشتر آشنایی پیدا کند و تفاوت فرهنگ و سنت‌های رایج را با یکدیگر بشناسد. شنیدن داستان‌هایی درباره دیگر اعضای خانواده به آنها کمک می‌کند تا شناخت بهتری از اجداد و نیاکان خود پیدا کنند.

۳- مهارت‌های کلامی آنها را افزایش می‌دهد:

خواندن داستان برای فرزندان باعث می‌شود که مهارت‌های کلامی آنها افزایش پیدا کند. و هم‌زمان که او کلمات و عبارات جدید یاد می‌گیرد با پیچیدگی‌های زبان نیز آشنایی پیدا کند. هم‌چنین قصه خوانی کمک می‌کند که طبق یک الگوی منظم نحوه تلفظ کلمات و عبارات را نیز به فرزندان بیاموزید.

۴- مهارت‌های شنیداری را افزایش می‌دهد:

اکثر کودکان به محدوده‌ی کوچکی از اتفاقات می‌توانند توجه کنند و اغلب نمی‌توانند برای طولانی مدت روی چیزی تمرکز کنند. همچنین آنها ترجیح می‌دهند که بیشتر صحبت کنند تا اینکه بخواهند گوش دهند. خواندن قصه برای کودکان نه تنها باعث می‌شود دقت آنها افزایش پیدا کند بلکه نسبت به گوش دادن و فهم مطالب نیز حساس‌تر می‌شوند.

۵- قدرت تخیل، تصویرسازی و خلاقیت آنها را افزایش می‌دهد:

گوش دادن به قصه باعث می‌شود کودک شخصیت‌های داستان، مکان و طرح کلی داستان را به جای اینکه به صورت فیلم و یا کارتون مشاهده کند در ذهن خود بیاورد و آنها را تصور کند. این مسئله باعث می‌شود که قدرت خلاقیت و تصویرسازی آنها افزایش پیدا کند و ذهنشان برای فکر کردن و تجسم اتفاقات با محدودیتی روبه‌رو نخواهد شد.

۶- ابزاری عالی برای تقویت حافظه:

شما می توانید با استفاده از ایده های هوشمندانه حافظه کودک خود را تقویت کنید. زمانی که شما برای کودکان قصه ای را خواندید بعد از چند روز از او بخواهید که این قصه را برای شما تعریف کند. و یا از او بخواهید که ادامه داستان را خودش تعریف کند این روش باعث می شود که حافظه او تقویت شود و سطح تمرکز او نیز افزایش پیدا کند.

۷- محدوده ی فکری کودک را گسترده می کند:

کودکان اغلب با فرهنگ ها و آداب و رسوم کشورهای مختلف درجهان آشنایی ندارند و با مردم آنها رو به رو نمی شوند ولی شما با گفتن قصه هایی از فرهنگ ها و آداب و رسوم کشورهای مختلف جهان می توانید ذهن کودک خود را نسبت به مکان ها و مردمانی که در کشور های دیگر زندگی می کنند باز کنید سعی کنید قصه های مربوط به دیگر کشورها را برای او تعریف کنید تا سطح درک و فهم او را افزایش داده و محدوده فکری او را نسبت به جهان گسترده تر کنید.

۸- قدمی ابتدایی برای یادگیری آکادمیکی:

قصه گویی برای کودکان می تواند قدمی ابتدایی برای یادگیری های آکادمیکی باشد. بسیاری از کودکان عادت دارند که کارها را از روی عادت یاد بگیرند و فهم درستی از آن ندارند. قصه گویی به صورت فعالیتی منظم می تواند باعث شود که کودک شما از آن چیزی که می شنود درک درستی داشته باشد و از آن لذت ببرد. قصه خوانی هم چنین به آنها کمک می کند که در صحبت کردن مسلط شوند. خواندن و گوش دادن مرتب باعث می شود که آنها به سخنران های مسلطی تبدیل شوند.

۹- توانایی ارتباط برقرار کردن آنها را بهبود می بخشد. گاهی اوقات کودکان در سؤال پرسیدن مردد هستند حتی اگر ذهن آنها مملو از سوال و کنجکاوی باشد. قصه گویی هنر درست سوال پرسیدن را به کودکان می آموزد. هم چنین به آنها یاد می دهد چگونه یک گفتگو را به خوبی شروع کنند و اعتماد به نفس آنها را بالا می برد. خواندن و گوش فرا دادن به صورت مداوم توان سخنوری آنها را نیز افزایش می دهد.

۱۰- به کودک کمک می کند که با آرامش بیشتری با مشکلات رو به رو شود:

قرار گرفتن در موقعیت های سخت و مشکل باعث می شود که کودکان احساس سردرگمی نکنند. داستان هایی که در آن قهرمان ها با مشکلات سخت و پیچیده مواجه می شوند می توانند به کودکان کمک کند که این مسئله را بهتر بفهمند و در مقابل مشکلات قوی تر باشند. داستان هایی را برای کودک خود تعریف کنید که کودک از آنها بیاموزد رنج و سختی قسمتی از زندگی است همانگونه خوشی و شادی بخشی از زندگی است. آن داستان ها باعث می شود که کودکان در مقابل موقعیت های مختلف و سختی های زندگی مقاوم تر شود و به صورت منطقی برخورد کند.

□ نقش قصه در بالندگی کودکان

مادری که درس کودک دانش آموزش اش خوب نبود از «انیشترین» کمک خواست. انیشترین سفارش کرد برایش هر شب قصه بخواند تا او، نه با اندیشه نگرانی از درس، بلکه با تخیل قصه بخوابد.

کمتر کسی خواب را جدی می گیرد و برای خوابیدنش برنامه دارد؛ اما هنگام خواب نیز انسان در تکاپوست و برای همین شیوه ای برای یادگیری زبان در خواب به وجود آمده است! هدفون تلفن همراه را در گوش می گذارید و می خوابید و آموزگار، واژه ها را در گوش شما تکرار می کند و فردا به فرهنگ واژگان انگلیسی شما افزوده می شود. روانکاوان هم بر این باورند که با هر اندیشه ای بخوابید، بامداد با همان اندیشه بیدار می شوید، از اینرو شب ها خواندن قصه برای کودک، به او یاری می رساند که در مورد هرکاری به جای واماندگی، تخیلش را به کار برد.

«دموس تنس» نیز در سخن‌گفتن روزانگی خود دچار لکنت بود، اما او از آن جایی که ذهنی مخیل داشت، گوشه نگرفت و به بیابان می‌رفت و با شیوه‌های خلاق می‌کوشید سخن‌گفتن خویش را بهبود بخشد و سرانجام مشهورترین سخنران آتن - یونان - شد. نویسندگان نابغه‌ای مانند فاکتر یا کسانی همانند دکتر سیدا که به روش‌های بالندگی ذهن دست یافته‌اند، از خلاقیت بالایی برخوردار بوده‌اند و شیوه‌های نو پدید آورده‌اند؛ اما از یاد نبریم که خلاقیت، پرورش‌دانی است. بهتر است تنها به این نیاندیشیم که نهایت، کودک خلاق ما ممکن است نویسنده بشود و نویسندگی توأم با بنداری است؛ بلکه بهتر است به این بیاندیشیم که بونه‌ها و واژه‌های بیابان، نیاز به آبدادن ندارند و خود بخود می‌زیند، ولی اگر یک درخت میوه داریم، باید به او کود و آب بدهیم که به بار بنشیند؛ یک کودک خلاق در خانه، نیاز به توجه دارد.

در این میان، افزون بر قصه‌گویی و کتاب‌قسه، تئاتر کودکان نیز می‌تواند به شخصیت‌های قصه‌ای که کودک خوانده است، تجسم بهتری ببخشد، به ویژه اقتباس‌های آزاد! برای همین کودکان، مشتاق تماشای انیمیشن‌هایی همانند «آیس در سرزمین شگفتی‌ها» هستند، چون بیشتر داستان‌ها را خوانده‌اند.

جایگاه کتاب قصه در ذهن کودک

بی‌گمان قصه باید در تخیل و ذهن کودک جا خوش کند، از اینرو جا خوش کردنش در قفسه‌های کتاب خوب نیست، این قفسه‌ها ممکن است در کتابفروشی باشد و یا در خانه ما. بهتر است کتاب قصه، نخست در دستان کودک ورق بخورد و سپس دست به دست و گرداگرد جهان بگردد و خوانده شود. در گذشته (دوران چیرگی ادبیات شفاهی)، مادران از شمار زنان سرخپوست برای کودکان خویش قصه می‌گفتند؛ اینک در همه جای جهان، مادران برای کودکان خود قصه می‌خوانند تا رشته احساسی با کودک خویش را بتابند و بیافند و او را برای زندگی در جامعه‌ای که ممکن است کمی خشن باشد، بپرورند.

در بازپسین تحقیقات (۲۰۱۷) میلادی دانشمندان دریافته‌اند، نوجوانانی که رمان می‌خوانند، در برابر کنش‌های تند، واکنش‌های نرمی دارند و میزان سازگاری آنان با انسان‌ها و پدیده‌های جامعه، بالاست.

نزدیک‌شدن به متن‌های کهن

متون کهن ایران، ذخیره‌ای بزرگ است که تا به حال کوشش‌هایی برای شناسایی و حفظ آن صورت گرفته است. بی‌گمان معرفی این ذخیره، سبب افتخار کودکان و نوجوانان به ایرانی بودنشان خواهد شد؛ و اگر سبب نشود که در گذشته ایست کنیم، اتفاقی خوشایند خواهد بود اما گویا دشواری‌های زبان مانع این اقدام شده است. استفاده ما از متون کهن در قلمرو کودک و نوجوان، چشم‌انداز خوبی ندارد. نمی‌توان به صورت خام از این متن‌ها برای آموزش به نوجوانان استفاده کرد و نیاز به ویرایش دارد. راه ارتباط با متون کهن هموار نیست. برخی بزرگسالان ما «نقلی» را شفاهی می‌شنوند و می‌گویند چه جذاب، اما وقتی به اصل متن مراجعه می‌کنند، نمی‌توانند بخوانند، چون زبان باگذشت زمان تغییر کرده است. نه اینکه زبان در قدیم دشوار بود بلکه زبان امروز دچار گره‌افکنی شده و زبان گذشته آسان بوده است.

«زبان فارسی در قرن اخیر دچار دگرگونی‌های زیادی شده است تا به آن‌جا که درک مفهومی که پیش‌تر برای افرادی با ۶ کلاس تحصیلات آسان بود، حالا غیرممکن شده است.»

«نثر فارسی در دوره پیدایش خود، ساده، روان و قابل فهم بود، چون به سازوکار فکر کردن نزدیک بوده است. در گذشته، فعل‌ها به هم نزدیک‌تر و جمله‌ها کوتاه‌تر بود، ولی امروز ما به دلیل عادت کردن گوش، بسیاری از کلمات روان را اشتباه می‌پنداریم.»

«برای آشناسازی کودکان و نوجوانان با متن‌های قدیمی باید فرزندانمان را تربیت کنیم تا با زبان فارسی درست آشنا شوند. دومین راه این است که در تغییر و بازآفرینی و بازنویسی، دست از تک‌محوری برداریم و فعالیت‌های گروهی را جایگزین کنیم. کسی که داستانی را بر می‌گزیند، لزوماً نباید نویسنده‌اش هم باشد. انتخاب و کارشناسی یک اثر می‌تواند امری جداگانه باشد که متأسفانه در ایران جدی گرفته نشده است.»

دکتر مسعود میری - نویسنده درباره راه‌های نزدیک‌شدن به متن‌های کهن فارسی و درک آن‌ها می‌گوید:

«در باره متون کهن باید به دو نکته توجه داشت، نخست این‌که زبان می‌تواند به قصه، شعر و نیایش تبدیل شود و امکان تغییر و جابه‌جایی آن وجود دارد، بنابراین برای دریافت و کشف یک متن، باید به متن‌های دیگری نیز مراجعه کرد و بیشتر خواند. دوم این‌که لازم است ما به تفاوت‌های متن صامت و متن سخنگو، احاطه داشته باشیم.»

یزدان سلحشور - روزنامه‌نگار در باره شیوه‌های استفاده از متن‌های کهن در قصه‌گویی می‌گوید: «قصه‌گویی

در واقع مونولوگ نیست. یک بازی است و جای شخصیت‌ها در آن مشخص است و همین قصه را باورپذیر می‌کند. وقتی ما قرار است یک متن کهن را اجرا کنیم، اول باید مخاطب، متن را درک کند، اما این درک با حذف متون از کتاب‌های مدرسه از میان رفته و نسل جدید از قصه‌های هزارساله جدا شده است.

«نکته اول، فهم قصه‌گو از داستان است. اگر خود قصه‌گو داستان را درک نکرده باشد، توانایی اجرای درست را ندارد. از دیگرسو حافظه تاریخ‌ریزبانی ما در حال از بین رفتن است؛ این اتفاق از دهه ۶۰ و از سوی آموزش و پرورش آغاز شد، اما برنامه‌ای همچون در انتهای شب، به کمک آن نسل آمد و آنان توانستند لذت ادبیات هزارساله را درک کنند.

«گرچه ادبیات در دل زبان تعریف می‌شود، اما زبان برای درک و ارتباط است و ادبیات به آن فضا داده است. ادبیات به مخاطب این قدرت را می‌دهد که وارد حوزه زبان شود و آنچه را که می‌خواهد از آن برداشت کند، با این حال باید توجه داشت که زبان بسیاری از متون کهن، قابل درک‌اند. رای نسلی که از گنجینه خود دور افتاده است، باید متن را ساده کرد، مانند کاری که صبحی، آذریزدی و حمید عاملی انجام داده‌اند. دیگر راه حل این است که نسل جدید را به کلاس‌های آموزشی فرا بخوانیم. این اتفاق در انگلستان نیز رخ می‌دهد و کلاس‌های آموزش «شکسپیرخوانی» وجود دارد. یا راه دیگر می‌تواند رفتار علی حاتمی باشد که با آمیختن زبان متن‌های گذشته و زبان حال در سینما، به بیان جدید رسیده بود.»

قصه‌گویی و آموختن شیوه زیست اجتماعی

دکتر عبدالوهاب شهلی‌بر - جامعه‌شناس و کارشناس می‌گوید: «در معنای عام، قصه پدیده‌ای است که ما با آن درگیریم و در سطح زندگی فردی، برای بیان معانی خود نیاز به طرح قصه داریم. ما در طول روز مدام در حال بیان قصه هستیم سطح کلان‌تر و در جوامع نیز همگی در حال روایت‌هایی از اسطوره‌ها هستند، با این حال خود قصه چیست؟

«قصه تجربه‌ای است که دهان به دهان منتقل می‌شود. در قصه عناصری وجود دارد که در تضاد با رمان است. در رمان تخیل انسان حاکم است و قصد آن مشورت دادن نیست، اما قصه با واقعیت پیوستگی دارد و قصه آشکار و نهان به مشورت و اندرز می‌پردازد و با حکمت در ارتباط است.

«وضعیت قصه‌گویی در جهان امروز چه شکلی است؟ قصه در عصر جدید، رو به زوال است. صنعت چاپ و بعد صنعت رسانه‌ای به عنوان موانع قصه‌گویی، توانایی تبادل تجربه در دنیای معاصر را کم‌رنگ کرده است.

«ارتباط با طبیعت و محیط‌زیست، یکی از استفاده‌های قصه در آموزش مهارت‌های اجتماعی است. قصه‌گویی، کودک را با طبیعت پیوند می‌دهد، چرا که قصه‌ها جان‌انگارند و ارتباط هستی‌شناسی را معنا می‌بخشند. «بیان‌گری» دیگر کاربرد قصه است؛ کودکان مسکوت‌اند ولی قصه، فرصت صحبت به آنان می‌دهد؛ قصه مولد تخیل است و تخیل خلاق، منشا تولید معانی جدید؛ و سرانجام قصه، توانا به معنابخشی به تجربه‌های شخصی است.»

دکتر هومن نامور - متخصص روان‌درمانی، درباره کارکردهای قصه می‌گوید: «قصه با داستان متفاوت است. قصه نویسنده ندارد، اما داستان نویسنده دارد. قصه موضوعی جمعی است که در طول زمان از سوی عده زیادی ساخته و پرداخته شده است و زمان و مکان ندارد. قصه جزییات ندارد، اما حتما قهرمانی در آن حاضر است.

«قصه نوشتاری نیست و حوادث در آن علت و معلول ندارد، اما قصه‌گو با کلام و لحن خود و تصویرسازی‌های بی‌بدلیش به آن معنا می‌دهد، تا از زمان عبور کند.»

«بعد اجتماعی انسان به ۳ بخش تقسیم می‌شود، ارتباط من و همسالان، ارتباط من و خانواده و ارتباط من و دیگران (جامعه، مدرسه)؛ در این شرایط هرچه ارتباط بیشتر شود، حمایت هم بیشتر می‌شود، پس بالابردن مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به جذب حمایت بیشتر بینجامد.»

«قصه‌ها سبب ساختن الگوهای ذهنی می‌شوند و اگر به اسطوره‌ها بپردازیم، ضربه بزرگی به آن‌ها زده‌ایم. اینک غرب هم دست از اسطوره‌سازی برداشته است، چرا که می‌داند اسطوره‌ها بیانگر ضعف‌های انسان‌اند.»

چهره ما در آینه‌های تودرتوی قصه‌ها

دکتر یحیی قائدی - دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی می‌گوید: «هر کودکی قصه‌ای دارد که در دوران رشد و رویارویی با قصه دیگران باید تجدیدنظر در قصه خودش را بیاموزد تا به پرورش تفکرش منتهی شود.»

در نظام آموزشی‌مان به خوبی چیزی فرا نمی‌گیریم، زیرا آن‌ها داستان‌های ما نیستند. اگر قصه ما در علوم، ریاضی، ادبیات یا حتی داستان جایی نداشته باشد، ذهن ما پذیرایش نیست.»

«داستان یا قصه هرکسی، بافت و زمینه یادگیری‌اش است. هر انسانی در قصه و داستان، خودش است، این موضوع تعبیری طبیعت‌گرایانه از قصه و انسان است. اگر بتوانیم به‌طور کلی آموزش را بر پایه داستان افراد استوار کنیم، تفکر آنان را پرورش داده‌ایم، وگرنه افرادی سردرگم خواهیم بود.»

«بستگی انسان و قصه، تنگاتنگ است؛ قصه فقط یک امر تفننی و سرگرم‌کننده نیست، بلکه خود زندگی است.»

هیچ‌کس نمی‌تواند از قصه خودش رها شود، به کودکان کمک کنیم تا قصه خودشان را بگویند، به‌ویژه وقتی نمی‌توانند بنویسند باید مدام برای آن‌ها فضایی تهیه کرد که قصه بگویند و هرگونه آموزش بر قصه کودکان استوار باشد؛ سپس هنگامی که توانست بنویسد، خوب است تشویق شود تا قصه خودش را بنویسد و وقتی از این مرحله عبور کرد، باید قصه دیگران را بخواند؛ مرحله آخر، نوشتن قصه جهان است؛ اگر از این نکته غفلت کنیم همیشه در قصه خودمان زندانی می‌شویم.»

«هر نسلی ممکن است در قصه خودش زندانی شود، البته اگر مدام بر قصه خودش استوار باشد؛ بنابراین باید از جایی به بعد با قصه‌های دیگران هم ارتباط بگیرد. ما به‌گونه‌ای قصه‌هایمان را می‌سازیم که همه گزینه‌ها در راستای معناکردن خواست و میل‌مان باشد. اگر مدام چنین اتفاقی بیفتد، در قصه‌هایمان زندانی می‌شویم.»

«قصه‌خوانی فضایی ایجاد می‌کند که نشان دهنده بخشی که در قصه‌مان ساخته‌ایم، گونه‌ای دیگر هم برای نگریستن دارد، از همین روی، یاد می‌گیریم بخش‌های دیگری هم وارد قصه‌هایمان کنیم؛ اگر این اتفاق بیفتد پس در حال پرورش یافتن هستیم.»

«برای خدمت به کودکان باید قصه‌هایی با جنبه‌های مختلف نگریستن رابه آن‌ها نشان دهیم. انسان هیچ‌گاه قصه‌های خودش را رها نمی‌کند، در رویارویی قصه خود با دیگران سعی می‌کنیم قصه خودمان را وسیع‌تر کنیم، از همین روی می‌گوییم قصه‌خوانی، فقط تفنن و سرگرمی نیست، بلکه برای این است که گونه‌های مختلف را در اختیار فرد قرار بدهد.»

«ما با قصه‌هایمان خودمان را معنا می‌کنیم، اما اگر تنها در قصه خودمان باقی بمانیم، معنای خودمان محدود می‌شود. در رویارویی با قصه دیگران به معنایابی و مفهوم‌یابی از تجارب بقیه دست می‌یابیم. هر دو کودکی که به هم می‌رسند، دو قصه دارند و باید فضایی ایجاد کنیم که در باره قصه‌هایشان به گفتگو بنشینند.»

«در مواجهه با قصه دیگران یاد می‌گیریم منعطف باشیم. همچنین دیدگاه جامع‌تری می‌یابیم و به جنبه‌های مختلف جهان نگاه می‌کنیم؛ بخشی که در نظام آموزشی ما از آن غفلت می‌شود، توجه به قصه‌گویی جمعی و کاوشگرانه است؛ وقتی درباره تجربه‌هایمان گفتگو می‌کنیم، باعث می‌شود درباره قصه‌هایمان تجدیدنظر کنیم.»

«هرگز نباید یک قصه‌نویس را برای آنچه نوشته است، سرزنش کرد. باید در نظر داشت قصه‌های بازتر و سیال‌تر امکان همراه‌شدن آدم‌های بیشتری را با آن فراهم می‌کند، در حالی که قصه‌های بسته‌تر، چنین امکانی ندارند. این‌که ما در قصه‌ایم، تعبیر طبیعت‌گرایانه رابطه انسان و قصه است. از همین روی فقط برحسب اتفاق ممکن است قصه فردی با قصه دیگری، همراه و منطبق شود، اما تاثیر هر قصه‌ای بر روی هر فردی متفاوت است.»

«قصه بستر پرورش فکر است. هنگامی که قصه دیگران را می‌خوانیم، در قصه خودمان تجدیدنظر می‌کنیم، این تجدیدنظر به معنای تفکر است. مجموعه این عوامل به پرورش فکری کودک کمک می‌کند.»

«از آن‌جا که آموزش را از قصه در مدارس ایران و حتی دنیا جدا کرده‌ایم، در زمینه پرورش تفکر موفق نبوده‌ایم. به عنوان پدر و مادر یا معلم و مربی باید فضا، مکان و زمان را به کودک خود بدهیم تا با دیگران و در حقیقت قصه دیگران آشنا شود. نحوه رویارویی ما با جهان بر شیوه قصه‌هایمان استوار است. قصه هر کس باید نقطه عزیمت و حرکت او به سمت مکان‌ها و زمان‌های دیگر در قصه‌های دیگر باشد.»

□ منابع؛ سایت تبیان. اینترنت. مقاله درج شده در روزنامه اطلاعات با نام (نقش قصه در بالندگی کودکان).

♡ تهیه کننده: کانال دانش مربی

@nyazmorabee

eitaa.com/nyazmorabee